

اوصاف شیعیان واقعی در وصایای امام محمدباقر علیه السلام (۱۹)*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح علیه السلام

چکیده

امام محمدباقر علیه السلام پس از اشاره به فضیلت‌ها و مقام‌هایی که خدای متعال برای انسان مقرر فرموده و راه‌هایی که انسان را به این کمالات می‌رساند، به این نکته توجه می‌کنند که این سفارش‌ها برای آینده است؛ در حال حاضر چه کنیم تا نزد خداوند محبوب باشیم؟ چه کنیم که وظایفمان را بهتر انجام دهیم و از شر شیطان محفوظ بمانیم؟ و گذشته‌هایمان را چگونه جبران کنیم؟ حضرت در ادامه می‌فرماید: پرونده گناهان گذشته خود را بازخوانی کن و در این بازخوانی، پشیمانی راستین خود را از گناهان گذشته ابراز کن و بکوش بسیار استغفار کنی، و برای اینکه شایسته رحمت و عفو الهی شوی، سعی کن برنامه‌ات را تغییر دهی و به سوی خدا بروی؛ و برای اینکه در این کار موفق شوی از دعا و مناجات در تاریکی شب‌ها غافل نشو.

امام محمدباقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «وَأَسْتَرْجِعُ سَالِفَ الذُّنُوبِ بِشِدَّةِ النَّدَمِ وَكَثْرَةِ الْأَسْتِغْفَارِ، وَتَعَرُّضُ لِلرَّحْمَةِ وَعَفْوِ اللَّهِ بِحُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ، وَاسْتَعِينُ عَلَى حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدَّعَاءِ وَالْمُنَاجَاةِ فِي الظُّلَمِ»؛ با پشیمانی کامل و امرزش طلبی بسیار از گناهان گذشته [ات] بازگرد و با بازگشتی شایسته [به درگاه خدا] خود را از رحمت و بخشش الهی برخوردار کن، و برای بازگشت شایسته، از دعای خالصانه و مناجات در تاریکی‌ها کمک بگیر.

کلیدواژه‌ها: گناه، مناجات، حب دنیا، عشق به خدا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

راه جبران گذشته

خوب است انسان ساعتی را به مرور و بازبینی گذشته خود اختصاص دهد و تا آنجا که ممکن است، در خلوت و تاریکی به این کار بپردازد تا هیچ چیز توجه او را به خود جلب نکند. گناهی را به یاد آورد که از زمان مکلف شدن تاکنون مرتکب شده است و اگر امکان داشته باشد، آنها را یادداشت کند؛ زیرا صرف مرور گذشته کارساز نیست، و از آنجا که تعداد گناهان زیاد است، دقت در آنها دشوار است. اگر از کسی که هفتاد سال زندگی کرده است درباره تعداد گناهانش بپرسید، بیش از بیست یا سی گناه در ذهنش مجسم نمی‌شود؛ اما اگر دقت کند چه‌بسا هر روز به همین میزان گناه کرده باشد. با ضرب هفتاد در تعداد روزهای سال و ضرب عدد حاصل در بیست سی گناه عدد بزرگی به دست خواهد آمد.

مرور و یادداشت گناهی که بسیار زشت و خجالت‌آور بوده‌اند و کسی دوست ندارد برای لحظه‌ای هم آنها را به یاد بیاورد، موجب می‌شود زشتی کارهای ناروا و کثرت گناهان انسان بیشتر در نظرش جلوه کند. آن‌گاه می‌تواند با خود بیندیشد که به‌جای این کارها چه کارهای خوبی می‌توانسته است انجام دهد که هریک آموزش گناهان یا ترفیع درجات او را به دنبال داشته باشد. گاه در چند دقیقه می‌توان کار خیری را انجام داد که فرشتگان هم از عهده محاسبه ثوابش برنیایند. خداوند متعال چنین نیرویی به انسان داده است. پس ما باید به کارهای نیک علم داشته باشیم و برای انجام آنها همت کنیم. چه‌بسا با اندیشیدن به کارهای خیری که امکان انجام آنها را داشته‌ایم، پشیمانی شدیدی بر ما عارض شود. می‌توان با فکر کردن به کارهای زشتی که انجام داده‌ایم و با اندیشیدن به ثواب‌ها و مقام‌هایی که ممکن بود از راه انجام دادن کارهای نیک به دست آوریم، خود را ارزیابی کنیم. حالتی که بر اثر این ارزیابی ممکن است برای انسان رخ دهد، مانند حال سرمایه‌داری است که می‌توانسته منافع زیادی کسب کند، اما یک‌باره همه اموالش آتش گرفته است. کسی که نه تنها از سرمایه فراوانش بهره‌ای نبرده است، بلکه کاری کرده که دارایی‌اش آتش بگیرد و خودش هم در این آتش بسوزد، نهایت انفعال را حس خواهد کرد. تصور این وضعیت که بر اثر بازخوانی و محاسبه پرونده اعمال به وجود می‌آید، برای انسان نهایت پشیمانی را به دنبال خواهد داشت و زمینه توبه صادق را فراهم

خواهد آورد. آن وقت است که با خود می‌اندیشد اگر عمر دوباره‌ای می‌یافت، حتی لحظه‌ای را بیهوده تلف نمی‌کرد. اکنون فرض کنید این فرصت در اختیار شما قرار گرفته و عمری دوباره به شما بخشیده شده است؛ چراکه هنوز فرصت باقی است و نمی‌دانید چه زمانی از دنیا خواهید رفت. از هم‌اکنون می‌توان توبه کرد و به‌جای صرف وقت در کارهای بیهوده و ناروا به اعمال صالح روی آورد.

درک تلخی گناه با چشیدن شیرینی مناجات

وقتی انسان به گناه عادت می‌کند و شیرینی گناه را می‌چشد، به‌آسانی نمی‌تواند تصمیم بگیرد همه گناهانش را ترک کند و بکلی مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد. البته هر قدر پشیمانی او شدیدتر باشد و بتواند مجسم کند که سرمایه‌اش را از دست داده است و کسی نیست که دستش را بگیرد و به او کمک کند، تصمیمش برای تغییر مسیر زندگی راسخ‌تر می‌شود.

امام باقر^ع می‌فرمایند پرونده گذشته‌ها را باز کن و شدت پشیمانی و میل به استغفار را دریاب. به دنبال پشیمانی، میل به استغفار رخ خواهد نمود و برای آنکه بتوانی به عفو و رحمت الهی امیدوار باشی، مسیر زندگی‌ات را تغییر بده. برای اینکه بتوانی این تصمیم را عملی کنی، باید از دعا و مناجات در تاریکی بهره‌جویی. وقتی انسان تصمیم بگیرد که دیگر گناه نکند، برای اینکه دوباره فریب شیطان در او اثر نکند و به گناه بازنگردد، باید از خدا کمک بخواهد و دست تضرع به بارگاه او دراز کند.

تغییر مسیر زندگی، ترک گناهان، دل‌کندن از دل‌بستگی‌ها و به‌سوی مسیر خدا رفتن کار آسانی نیست و نیاز به کمک دارد. انگیزه‌های لازم است تا انسان از لذت گناه چشم‌پوشد و در راه اطاعت خدا مشتاقانه ثابت‌قدم بماند. آنچه در این مرحله به انسان کمک می‌کند و لذتی به او می‌دهد که از لذت‌های گناهان برتر است، انس با خداست. در مناجات شعبانیه که از بافضیلت‌ترین مناجات‌های نقل شده از اهل بیت^ع به‌شمار می‌رود آمده است: «الهی لَمْ یَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَتَقَلُّ بِهٖ عَن مَّعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَفَّتِ ائِثْمَتِي لِمَجْبَتِكَ» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۹۸). در این مناجات نه تنها انسان با معارف ناب اهل بیت^ع آشنا می‌شود، بلکه در کنار آن، شیوه مناجات کردن را هم می‌آموزد. حضرت می‌فرمایند: خدایا، من نمی‌توانستم دست از گناه بردارم. جز هنگامی که مرا با محبت خودت آشنا کردی.

دروغ بگوید؛ فتنه‌انگیزی کند؛ و برای اینکه چند روز بیشتر به صندلی ریاست تکیه زند، مرتکب گناهان کبیره شود.

راه مبارزه با حب دنیا

برای اینکه انسان به چنین ورطه‌ای فرونیفتد، باید از همان آغاز هرگاه احساس کرد که تمایلش به دنیا در حال افزایش است، به خود نهیب بزند. کسانی که همشان ضعیف است و به گردآوردن ثروت تمایل دارند، باید از ثروتی که به زحمت به دست آورده‌اند، در راه خدا انفاق کنند: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۲). گاهی اوقات، مانند ماه مبارک رمضان، زمینه انفاق بیشتر فراهم است. اگر انسان در حدی که برای او میسر است از این فرصت‌ها بهره نبرد، بسیار زیان می‌بیند.

اگر کسی تمایلات حیوانی و شهوانی زیادی در خود احساس می‌کند باید از بهره‌حلال آن کم کند تا نفس قوی نشود و با سرکشی از او تقاضای حرام نکند. برای فرار از نگاه حرام هم باید از برخی نگاه‌های حلال چشم پوشید. مگر لازم است انسان به همه چیز نگاه کند؟! باید هر جا که احتمال می‌دهد به حرامی منتهی شود، نگاهش را پایین افکند. این‌گونه می‌توان از قرارگرفتن در موقعیت گناه‌آلود پیشگیری کرد. شاید شما نیز دویدن در جاده شیب‌دار را تجربه کرده‌اید. شروع حرکت در این‌گونه جاده‌ها خوشایند است؛ زیرا لازم نیست انرژی زیادی صرف کنید؛ اما به تدریج سرعت افزایش می‌یابد و ممکن است کنترل آن دشوار شود و نتوانید خود را نگه دارید. اگر قبل از رسیدن به این مرحله خود را کنترل کنیم، امکان نجات هست، وگرنه ممکن است حادثه‌ای پیش آید که پیامدهای ناگواری داشته باشد.

رسالت سنگین تبلیغ

مسئولیت طلاب در این موقعیت‌ها سنگین‌تر است؛ زیرا وظیفه هشدار به دیگران و گوشزدکردن معارف دینی و اخلاق اسلامی به عهده آنهاست. باید مردم را از دل بستن به دنیا بازداشت. اگر خدای ناکرده طلاب اندکی آلوده شوند، نه تنها خودشان مرتکب گناه مضاعفی شده‌اند، بلکه سخنان هم در دیگران اثر نمی‌گذارد.

از معارف اسلامی برمی‌آید که بزرگی و کوچکی گناهان اجتماعی تا حدود زیادی برحسب موقعیت انسان در اجتماع فرق

حقیقت این است که انسان تا لذت برتر و بالاتری کشف نکند، دست از لذت اندک برنمی‌دارد. لذت برتر، که سبب می‌شود انسان از لذت اندک دست بردارد، گاه فوری و نقد به انسان می‌رسد و گاه لذتی است مربوط به آینده که باید درباره آن بیندیشد. معمولاً قسم دوم جذاب نیست و انسان به لذت نقد تمایل بیشتری نشان می‌دهد تا لذت نسیه‌ای که بخواهد درباره رسیدن به آن بیندیشد. اگر خداوند قبل از فرارسیدن قیامت، نوعی شیرینی نقد را به انسان بچشاند و کام او را در همین دنیا به‌گونه‌ای شیرین کند که همه مزه‌های دیگر در مقابل آن رنگ بیازد و نوعی زیبایی را به او بنماید که همه زیبایی‌ها در مقابل آن ناچیز باشد، انسان به راحتی می‌تواند از گناه چشم ببوشد. به همین دلیل، امام باقر (ع) می‌فرماید: «وَاسْتَعِينْ عَلَيَّ حُسْنَ الْمَرْأَجَةِ بِخَالِصِ الدُّعَاءِ وَالْمُنَاجَاةِ فِي الظُّلَمِ».

اگر خداوند توفیق انس با خود را به انسان عنایت کند و انسان مزه مناجات با خدا را بچشد، به راحتی گناه را ترک می‌کند و از لذت آن چشم می‌پوشد. *آیت‌الله بهجت* (ع) می‌فرماید: «اگر سلاطین عالم می‌دانستند چه لذتی در نماز هست، دست از لذت‌های سلطنت می‌کشیدند». آنها نمی‌دانند نماز چه لذتی دارد. نقل است که *آیت‌الله قاضی* (ع) فرموده‌اند: «اگر در بهشت نماز نباشد، من بهشت را برای چه بخواهم؟» یعنی باور ایشان این بوده که در بهشت هم بالاترین لذت، عبادت خداست. خداوند متعال چنین بندهایی هم دارد. آنها چیزهایی را درمی‌یابند که ما درک نمی‌کنیم؛ اما می‌دانیم راست و درست است. ما نیز باید بکوشیم موانع درک لذت انس و مناجات با خدا را از خودمان دور کنیم تا زمینه تقرب به خداوند را فراهم آوریم.

حب دنیا؛ مانع عشق به خدا

آنچه مانع درک شیرینی انس و مناجات با خدا می‌شود، دل‌بستگی به دنیا است. خداوند در حدیث معراج فرموده است: «اگر دل کسی در گرو محبت دنیا باشد، لذت مناجات خود را به او نمی‌چشانم». حب دنیا مراتبی دارد. بعضی از مراتب، که مزاحمتی با تکالیف شرعی نداشته باشد و مستلزم حرامی نباشد، مباح است، اما همین مراتب هم انسان را از انجام کارهای بهتر محروم می‌کند. درست است که انسان از آغاز در پی دوستی دنیا نمی‌رود، اما ناخودآگاه و به تدریج به دنیا دل می‌بندد و کار به جایی می‌رسد که حاضر است مرتکب کار حرام شود و آگاهانه گناه کند؛ حقوق دیگران را تضییع کند؛ از بیت‌المال سوءاستفاده کند؛

می‌کند. هرچه موقعیت فرد در جامعه حساس‌تر باشد، ثواب بیشتری از کار خوب می‌برد و اگر هم مرتکب گناهی شود، جرمش سنگین‌تر است. قرآن در این زمینه خطاب به همسران پیغمبر ﷺ می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقِيْنَ» (احزاب: ۳۳). همسران پیامبر ﷺ اگر تقوا داشته باشند، ثوابی دوچندان می‌برند و اگر لغزشی مرتکب شوند، گناهشان افزون خواهد بود. امام صادق ؑ می‌فرماید: «يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ» (کلینی، ۱۳۳۹ق، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۱۲۴). افرادی که توفیق آشنایی با معارف دینی را نداشته‌اند و معارف و حقایق دین به آنها نرسیده، اگر مرتکب گناهی شوند رحمت و غفران الهی زودتر شامل حالشان می‌شود؛ اما گناه کسی که زندگی‌اش با کتاب و سنت گذشته است و گوشت‌وپوست او با برکت اهل بیت ؑ عجین است، با گناه دیگران برابر نیست. هر قدر موقعیت اجتماعی عالم نزد مردم بالاتر باشد و مردم بیشتری به او تاسی کنند، افکار و اعمالش نیز حساس‌تر است. اگر کار خیری انجام دهد، ثوابش بیشتر است؛ زیرا مردم بیشتری از او پیروی می‌کنند، و اگر کار بدی انجام دهد، گناهش افزون است، چون مردم کار او را حجت می‌دانند و می‌گویند این کار خیلی هم بد نیست، وگرنه چنین کسی آن را انجام نمی‌داد!

دقت در انتخاب واسطه‌ها

امام صادق ؑ حدیثی قدسی نقل فرموده‌اند: «أَوْحَى اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - إِلَى دَاوُدَ: لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَّقْتُونًا بِالدُّنْيَا؛ فَيَصُدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي؛ فَإِنَّ أَوْلَيْكَ قُطَاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ، إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ خَلَاوَةَ مَنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ» (همان، ص ۱۱۴، ح ۱۲۱). خداوند عزوجل به داوود ؑ وحی فرمود که میان من و خودت عالم فریفته به دنیا را [واسطه] قرار نده که تو را از راه دوستی من بازدارد؛ زیرا آنها راهزنان بندگان خواهان من هستند. کمترین کاری که با آنها می‌کنم این است که شیرینی مناجاتم را از دل‌هاشان برمی‌کنم. توضیح آنکه، خواه‌ناخواه بین بندگان و خداوند واسطه‌هایی قرار می‌گیرند. عموم مردم دین خود را از علما می‌آموزند؛ علما هم علمشان را از ائمه و انبیاء ؑ می‌گیرند، بنابراین، آنها بین خدا و بندگان واسطه‌اند. خداوند در این حدیث به دقت کردن در انتخاب واسطه‌ها سفارش می‌کند. براین اساس، انسان باید توجه کند که دین خود را از چه کسی می‌خواهد یاد بگیرد و از

چه کسی می‌خواهد پیروی کند. خداوند متعال هشدار می‌دهد که مبدا بین من و خود عالمی را واسطه کنید که شیفته دنیاست. چنین عالمانی راهزن بندگان و دزدهایی هستند که سرگردنه ایمان ایستاده‌اند و نمی‌گذارند بندگان به طرف خدا بیایند. این راهزنان به جای سوق دادن بندگان به جانب خداوند متعال، آنان را از یاد خداوند بازمی‌دارند. درحقیقت ارتباط با چنین عالمانی یاد خدا را در قلب مؤمنان خاموش می‌کند؛ چون آنچه مردم در نهاد ایشان می‌بینند، علاقه و دل‌بستگی به دنیا، شهوت پول، مقام و شهرت است. طبیعی است که مردم از آنها یاد بگیرند و در همین مسیر حرکت کنند. خداوند متعال می‌فرماید اگر کسانی چنین عالمان را واسطه میان من و خودشان قرار دهند، کمترین مجازاتی که بر ایشان روا می‌دارم، این است که محبتم را از آنها دریغ می‌کنم و به دنبال آن، شیرینی مناجات را از کام آنها می‌گیرم. این اشخاص باید بین محبت من و محبت دنیا یکی را انتخاب کنند.

بنابراین، اگر کسی طالب درک شیرینی مناجات با خداست، باید بکوشد دل‌بستگی خود را به دنیا کم کند و حتی از چیزهایی چشم‌پوشد که حرام نیست؛ زیرا ممکن است جای محبت خدا را بگیرد. قرآن کریم می‌فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ حَوْفِهِ» (احزاب: ۴). در یک دل دو محبت متضاد جمع نمی‌شود. اگر محبتی تحت شعاع محبت دیگری باشد - مانند محبت به اهل بیت ؑ نسبت به محبت خداوند متعال - در این صورت، جمع آنها ممکن است؛ زیرا محبت اهل بیت ؑ شعاع محبت به خداوند است و جای آن را نمی‌گیرد، بلکه از آن ناشی می‌شود، ولی اگر محبت به چیزی خلاف محبت به خداوند متعال باشد، با هم تنافی پیدا می‌کنند.

بنابراین، اگر کسی بخواهد محبت خدا در دلش پیدا شود، باید محبت دنیا را از دل بیرون کند، و نخستین گام آن است که لذت گناه را نچشد؛ زیرا وقتی انسان لذت گناه را بچشد به آن دل می‌بندد. انسان به چیزی علاقه‌مند می‌شود که لذت‌بخش باشد. ترک گناه دل‌بستگی به آن را زایل می‌کند و در این صورت، توفیق مناجات، دعا و انس با خدا پیدا می‌شود و همان‌طور که امام باقر ؑ فرمودند با دعا و مناجات در تاریکی شب‌ها می‌توان به توفیق توبه دست یافت: «وَأَسْتَعِينُ عَلَى حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدُّعَاءِ وَالْمُنَاجَاةِ فِي الظُّلَمِ». اینجاست که انسان دوست دارد با محبوب خود در خلوت مناجات کند و دیگر مناجات کردن و دعاخواندن برای او دشوار نیست.

منابع.....

ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۶، الإقبال بالأعمال الحسنة، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۲۹ق، الکافی، قم، دارالحدیث.

وقتی شیفته کسی باشیم، دوست داریم در خلوت او را ملاقات کنیم و با او حرف بزنیم؛ صدایش را بشنویم و او را بنگریم. کسی ارزش مناجات و انس با خداوند را می‌شناسد که در تمام ساعت‌های روز منتظر فرارسیدن فرصت خلوت با او در تاریکی شب باشد. آن هنگام، می‌تواند در خلوت با دوستش مناجات کند و از انس با او لذت ببرد. مناجات کردن و دعاخواندن برای چنین کسی دشوار نیست. راستی، چقدر تفاوت است بین کسی که شیرینی مناجات با خداوند را درک می‌کند و کسی که برای خواندن دعای ابوحمزه ثمالی، چای و قهوه تدارک می‌بیند تا خواب او را نرباید. چه بسا تا بخشی از دعا بیدار بماند، ولی سرانجام با حالتی خواب‌آلود به صفحه‌های باقی‌مانده از دعا نگاه می‌کند و پایان آن را انتظار می‌کشد! اگر انسان کسی را دوست داشته باشد، می‌خواهد با او خلوت کند و تمام توجهش را به او اختصاص دهد. آیا چنین کسی در محضر دوست، خواب‌آلود می‌شود و به ساعت نگاه می‌کند تا وقت ملاقات به پایان برسد؟ چنین حالاتی، نشانه آن است که هنوز شیرینی مناجات با خداوند را درک نکرده است. هر کس لذت مناجات را درک کند، خدا او را به گونه‌ای به طرف خود می‌کشد که آن بنده آرزو می‌کند، کاش این مناجات و این حال سال‌ها طول می‌کشید. خدا چنین بنده‌هایی دارد؛ چنان که ائمه اطهار (ع) از این احوال خبر داده‌اند.

شایسته است ما نیز پرونده گناهان خود را بازبینی کنیم و درباره زشتی‌ها و بدبختی‌هایی بیندیشیم که بر اثر باقی‌ماندن پیامدهای گناه و از دست دادن توفیق عبادت و کار خیر گرفتار آنها شده‌ایم. ببینیم چگونه سرمایه عمر خود را از دست داده‌ایم و اکنون، در حقیقت، میان آتش جهنم هستیم و هیچ کس هم جز خدا نمی‌تواند به فریادمان برسد: «وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره: ۴۸). روز قیامت روزی است که همه از یکدیگر فرار می‌کنند و هر کس گرفتار اعمال خویش است: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ، لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس: ۳۴-۳۷). اگر انسان این واقعیات را مجسم کند، پشیمانی حقیقی بر او عارض می‌شود و به دنبال آن تصمیم می‌گیرد گناه را ترک، و گذشته‌ها را جبران کند. آن‌گاه خداوند به یاری او می‌آید و لذت مناجات و محبت خود را به او می‌چشاند. وقتی شیرینی مناجات خدا را درک کرد، موفق می‌شود که گذشته خود را جبران کند و از آینده بیشترین بهره را ببرد.